

باستانی پاریزی

گذار زن از گدار زندگی

- ۹ -

شاردن نیز می‌گوید که : مشعلدار باشی ناظر و حامی اماکن فساد و نوازنده‌گان و شعبده‌بازان بوده و مالیات آنان را دریافت میداشت (۱) .

بالایشکه حمله عرب و حمله منول و واقعه مشروطه از جهت تدوین تاریخ ایران ، مثل حمله اسکندر ، خود و سیله تحریر سرفصلهای مهم و بر جسته هستند ، واما همه ما می‌دانیم که اصول اجتماعی جامعه ما ، درین سه‌چهار دوران بطور کلی دیگر گونشده است ولی در تاریخ خبری از آن نیست ، واگر هم باشد آنقدر کم‌رنگ و کم مایه است ، که در گوش و کنار ، تاریخ ، اصلاً اشاره‌ای بدان نمی‌توان یافته .

البته ما قبول داریم که دین اسلام ، آزاد کردن بردگان را یکی از عبادات قرارداده و ما می‌دانیم که دخالت زن در امور زندگی از خاصه‌های دین اسلام است و «کلمینی یا حمیرایی» حضرت رسول ، مقام زن را نزد صحابه و انصار و مهاجر والائی بخشیده ، اما چه می‌شود کرد بایک پدیده بزرگ بشیریت ، که مسئله بردگی و بندگی زنان باشد و خرید و فروش آنان ؟

ما در دروانهای گذشته ، پادشاهان و صدور و امرای فراوان داشته‌ایم که اغلب آزاد کننده اسیران بوده‌اند چنانکه مثلاً در تاریخ سیستان می‌خوانیم که «امرای سیستان اندر هر سال صد بنده بخریدندی از پانصد درم تا چهارصد درم ، و آزاد کردنی» و صدر بخارانیز ، چون ماه رمضان رسیدی ، شش یا هفت بنده آزاد کردی (۲) ولی می‌دانیم که این امر از عهد آدم باقی بود ، چنانکه لمح بن قایبل بن آدم ، عودرا وضع کرد ، او داعمر طویل بوده است ، و پنجاه زن و صد سریه داشته است (۳) و این امر تا قبل از قرن نوزدهم در دنیا و تا قبل

۱ - سیاست و اقتصاد عصر صفوی ، من ۲۷۲ ، بنقل از سیاحت‌نامه شاردن .

۲ - تاریخ ملازاده ، تصحیح گلچین معانی ، من ۴۷ . ۳ - مقاصد الامال ، من ۱۳۶ .

از مشروطه در ایران رواج داشت، و شاید تعجب کنید که از میان آن‌ها وزیران و امیران و رجال و شخصیت‌های نامدار سیاسی و غیرسیاسی، تنها در زمان حاج میرزا آغا سی بوده که اندک توجهی به این امر شد، هر چند آن‌هم به جایی نرسید:

توضیح آنکه در سال ۱۷۷۲ میلادی (۱۱۸۶ هـ) زمان کریم خان) محاکم انگلستان قانونی وضع کردند که به محض اینکه غلامی وارد جزایر بریتانیا شود آزادخواهد بود، همچنین در حوالی ۱۸۱۱ میلادی (۱۲۲۶ هـ) زمان فتحعلی‌شاه بموجب قانون دیگری تجارب برد را بکلی قدرن و مجازات عاملین آنرا نفی بلد و تبعید تعیین کردند و بالاخره در سال ۱۸۹۰ میلادی (۱۳۰۸ ق) زمان ناصرالدین شاه کنفرانس بروکسل تشکیل شد و منع خرید و فروش برد را در تمام دنیا اعلام داشت. انگلیسیها نیز پس از تصویب قانون منع خرید و فروش برد به بفکر افتادند که نفوذ دریائی خویش را از راه دیگر در خلیج فارس محفوظ نمایند. لذا در سلطنت محمد شاه قاجار و صدر ارت حاجی میرزا آغا سی (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ = ۱۸۴۷ - ۱۸۳۴) کلمل دفرانت، انگلیسی شارژ‌دافر انگلیس مقیم در باد ایران در خواست کرد برای بازدستی کشتی‌هایی که به خلیج فارس وارد می‌شوند - از لحاظ اینکه مبادا برده حمل کرده باشند - اجازه بازرسی کشتیها به آنها واگذار شود. گرچه ابتدا محمد شاه حاضر بقبول این خواسته انگلیسیها نبود ولی بعلت نفوذ عواملی اجازه بازرسی کلیه کشتی‌های خارجی و ایرانی را به دولت انگلیس واگذار کرد، و به حاجی میرزا آغا سی هم فرمانی داد که طوری آن را رفع و رجوع کند. متن فرمان اینست:

«جناب حاجی، نگذارید دیگر از راه دریا غلام و کنیز وارد شود، بگذارید از راه خشکی بیاورند، این مرحمت فقط در حق فراغت صاحب می‌شود، ومن ازو خوشنود می‌باشم و باین مطلب رضایت داده‌ام، در این بباب بحکام خلیج فارس بنویس - من این اجازه را فقط برای حسن رفتار فرانتمی دهم و ایین ما و دولت انگلیس هنوز هم خیلی اختلافات موجود است. شاه»

بنابراین اینجا هم به اینصورت برگذار شده، «نگذارید دیگر از راه دریا غلام و کنیز وارد شود، بگذارید از راه خشکی بیاورند»! (۱)

زاهدا ره به کعبه بسیار است من ذ دریا روم تو از خشکی

درست در همان روزهایی که اعلامیه حاج میرزا آغا سی و محمد شاه، دادر بر عدم وارد برد از راه دریا، صادر شده است، در بیانهای کرمان و جیرفت، یک سند نوشته شده است که همه

۱ - به روایت سرقوشول انگلیس در بوشهر در سه ماه اوت و سپتامبر و اکتبر ۱۸۴۱ م. تعداد ۱۱۷ کشتی حامل ۱۲۷۱ برد سیاه در کنار جزیره خارک لکنگر انداخته‌اند. (جزیره خارک آل احمد، بنقل از خلیج فارس ویلسون)

آن حرفهای رسمی را باطل می‌کند، این سند را من عیناً چاپ می‌کنم :

... الحمد لله رب العالمين والعاقة للملترين ، والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآلـهـ اجمعـينـ الطـيـبـيـنـ لا ... خـيرـ الـمـعـصـومـيـنـ ، اـمـاـ بـعـدـ ، باـعـثـ بـسـ تـحـرـيرـ وـتـسـطـيـرـ شـرـعـيـةـ القـوـاـعـدـ الـاـلـارـ كـانـ آـنـسـتـ کـهـ فـرـوـخـتـ بـهـ بـيـعـ صـحـيـعـ شـرـعـيـ لـازـمـ جـادـمـ قـطـعـيـ مـعـتـبـرـ دـيـنـيـ اـسـلامـيـ کـماـهـ طـرـيقـهـ شـرـعـاـ ، عـالـيـشـانـ سـالـارـ اـبـوـالـحـسـنـ خـلـفـ صـدـقـ عـالـيـشـانـ سـالـارـ عـلـيـدـادـ (۶) وـکـالـةـ اـزـ جـانـبـ وـالـدـهـ خـوـدـ . وـهـیـ الـمـسـاـءـ بـشـهـرـ بـانـ اـبـنـةـ مـرـحـومـ اـسـعـیـلـ آـقـاـ بـهـ عـالـیـجـاهـ رـفـیـعـ جـایـگـاهـ آـقـاـ بـیـكـ خـلـفـ صـدـقـ عـالـیـجـاهـ رـفـیـعـ جـایـگـاهـ عـلـیـ جـانـ بـیـگـ ، هـمـکـیـ وـتـامـیـ سـالـهـ شـخـصـیـ بـهـشـوقـ 『ـمـواـزـیـ』 بـیـكـ نـفـرـ جـارـیـهـ مـسـمـاـهـ کـلـ زـادـهـ نـامـ اـبـنـةـ مـرـأـدـ، شـشـ دـانـگـهـ، وـیـكـ نـفـرـ بـچـهـ غـلامـ پـنـجـ سـالـهـ وـهـوـمـحـمـدـ وـلـدـ قـبـرـ شـنـ دـانـگـ ، وـیـكـ نـفـرـ بـچـهـ کـنـیـزـ عـدـانـگـهـ کـهـ اـذـبـاتـ اـرـثـ وـالـدـ بـمـسـمـاـهـ مـزـبـورـهـ اـنـتـقـالـ شـرـعـیـ یـاقـتـهـ بـودـهـ ، بـهـ ثـمـنـ مـبـلـغـ سـیـزـدـهـ توـمـانـ رـایـجـ خـرـانـهـ عـامـهـ اـزـ قـرـارـ قـرـانـیـ عـدـدـیـ یـاـکـهـزـ اـرـ دـینـارـ ، وـمـشـتـرـیـ مـزـبـورـهـ ضـمـنـ (۶) مـذـکـورـهـ خـرـیدـارـیـ نـمـوـدـهـ ، وـ وـجـهـ ثـمـنـ باـخـذـ بـایـعـهـ ضـمـنـ (۶) مـذـکـورـهـ درـآـمـدـ ، وـضـیـفـهـ مـبـایـعـهـ بـینـهـماـ جـرـیـانـ شـرـعـیـ پـذـیرـفـتـ وـبـایـعـهـ مـذـکـورـهـ ضـمـنـ (۶) هـرـ گـونـهـ غـبـنـیـ رـاـ درـخـصـوـصـ مـبـیـعـهـ مـذـکـورـهـ دـاشـتـ باـ مـشـتـرـیـ سـابـقـ الـلـاـقـابـ عـالـمـاـ عـامـدـاـ فـاحـشـاـ بـالـافـحـشـ (۱) بـهـ ثـمـنـ مـبـلـغـ دـوـتـوـمـانـ رـایـجـ خـرـانـهـ عـامـهـ مـصـالـحـهـ صـحـيـعـ شـرـعـیـ نـمـوـدـهـ ، وـصـيـفـهـ مـصـالـحـهـ بـینـهـماـ جـرـیـانـ شـرـعـیـ پـذـیرـفـتـ ، وـاـزـيـدـ تـصـرـفـ بـایـعـهـ مـذـکـورـهـ ضـمـنـ (۶) بـیـرونـ آـمـدـ وـدـرـتـحـتـ تـصـرـفـ مـشـتـرـیـ سـابـقـ الـلـاـقـابـ قـرـارـگـرفـتـ ، بـمـضـمـونـ آـیـةـ تـصـرـفـ الـمـلاـكـ فـیـ اـمـلاـکـهـ وـذـوـالـحـقـوقـ فـیـ حـقـوقـهـ - عـمـلـ نـمـایـدـ ، وـالـیـوـمـ مـبـیـعـهـ ضـمـنـ حـقـ صـدـقـ طـلـقـ مـشـتـرـیـ سـابـقـ الـلـاـقـابـ مـیـ باـشـدـ ، وـاـیـضـاـ دـرـ ضـمـنـ الـمـقـدـ شـرـطـ شـرـعـیـ شـدـ بـینـهـماـ کـهـ اـگـرـ چـنـانـجـهـ اـحـيـانـاـ غـيـرـیـ یـاـ اـحـدـیـ اـزـ آـحـدـ دـرـخـصـوـصـ مـبـیـعـهـ ضـمـنـ ؟ سـخـنـیـ دـاشـتـ باـشـدـ بـایـدـ خـودـ بـایـعـهـ (۶) اـزـعـمـهـدـ بـیـرونـ آـیـدـ ، اـینـ چـنـدـ کـلمـهـ بـرـسـبـیـلـ قـبـالـهـ نـامـجـهـ فـیـ ماـبـینـ قـلـمـیـ گـرـدـیدـ . تـحـرـیرـ فـیـ سـابـعـ عـشـرـ شـهـرـ رـبـیـعـ الـاـولـ مـنـ شـهـوـرـ سـنـ اـحـدـوـسـبـیـعـ وـمـأـتـانـ بـعـدـ الـفـ : مـنـ الـهـجـرـةـ اـجـنـابـ نـبـوـیـ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـآـلـهـ وـسـلـمـ (۱۷ رـبـیـعـ الـاـولـ ۱۲۲۱ نـوـامـبرـ ۱۸۵۴) . مـحـلـ مـهـرـیـاـ اـبـالـحـسـنـ ، دـرـبـالـاـیـ آـنـ سـمـهـرـ بـزـرـگـ وـتـوـقـعـ : هـوـالـمـالـكـ الـمـلـكـ ، اـنـاـشـهـیدـ بـذـلـکـ لـاـلـاـلـهـ الـمـلـكـ الـحـقـ اـسـبـیـنـ مـحـرـ ؟ وـاـشـهـدـ بـذـلـکـ بـحـمـدـعـلـیـ بـنـ ؟ وـقـعـ ... الـمـبـارـکـهـ وـ... لـدـیـ ، وـاـینـ مـبـایـعـهـ دـرـسـتـ هـفـتـ سـالـ بـعـدـ اـزـ فـرـمـانـ مـحـمـدـشـاـ نـوـشـتـهـ شـدـ ، وـ دـرـسـتـ هـزـ اـرـوـدـوـیـسـتـ وـینـجـاهـ سـالـ بـعـدـاـزـ آـنـکـهـ عمرـ ، خـلـیـفـهـ دـوـمـ بـهـ پـیـشوـایـ هـمـیـنـ مرـدـ ، دـسـتـورـ دـادـکـ کـنـیـزـ بـچـدـارـ رـاـ حـقـ فـرـوـشـ نـدارـنـ ، وـاـینـ سـنـ بـهـرـ حـالـ مـهـرـ ۱۷ تـنـ شـهـوـرـ رـاـ هـمـ دـارـدـکـ هـمـهـ نـامـ مـسـلـمـانـ دـارـنـ وـبـسـاـ کـهـاـغـلـ اـهـلـ سـنـتـهـ بـودـهـ باـشـدـ ، کـهـ هـمـهـ زـیرـعـنـوـانـ اـسـلامـ بـهـ فـرـوـشـ دـخـنـرـکـ مـعـصـومـ «ـکـلـ زـادـهـ»ـ بـنـتـ مـرـادـ شـهـادـتـ وـقـتـوـیـ دـادـهـ بـودـنـ ، آـرـیـ ۱۷ تـنـ .

کـلـ فـرـوـشـ مـنـ کـهـ خـوـاـهـ ، کـلـ بـهـ بـازـارـ آـوـردـ هـ بـایـدـ اـولـ تـابـ غـوـغـایـ خـرـیدـارـ آـوـردـ

۱ - آـخـونـدـ سـوـادـ دـرـسـتـیـ هـ نـداـشـتـهـ ، عـبـارـتـ تـصـرـفـ الـمـلاـكـ آـیـهـ قـرـآنـ نـیـسـتـ ، مـزـبـورـهـ وـفـاحـشاـ بـلـ اـفـحـشـ رـاـ غـلـطـ نـوـشـتـهـ ، وـهـجـرـتـ رـاـ باـحـاءـ حـطـ ضـبـطـ کـرـدـهـ اـسـتـ . اـینـ سـنـدـ درـاـخـتـیـارـ آـقـاـیـ زـمـانـیـ بـخـشـدـارـ سـارـدـوـیـهـ اـسـتـ .

أَعْلَمُ الْعَالَمِينَ وَأَكْبَرُ الْمُتَعَذِّثِينَ وَأَكْبَرُ الْمُتَبَرِّغِينَ

اما بعد باعث بغيره تجارة الغزو ولهذا كان هاست وفرخت برسبح
صراحتاً ودون قطاع موت، من اسحاقاً وآدمياً

میخ بر سر زمین جاتم علیم خود را در میخ بر سر زمین همراهی نهادن سارادا بای پرسش هم
سند عدالتان را در میخ و کائنا از جنابه و اقامه خدمو و عراست شاه شفیعیان اینسته خود را در میخ
میخ بر سر زمین همراهی نهادن سارادا بای پرسش هم

میخواستند از این مکان برداشته شوند و هر کسی که از آن عبور میکرد باید پس از عبور از آن مکان میخواستند از این مکان برداشته شوند و هر کسی که از آن عبور میکرد باید پس از عبور از آن مکان

خواهانه ای از خواهانه های دنیا نیستند و ممکن است این خواهانه هایی باشند که بتوانند این خواهانه را در پیش از آغاز جنگ ایجاد کنند. این خواهانه هایی ممکن است این خواهانه هایی باشند که بتوانند این خواهانه را در پیش از آغاز جنگ ایجاد کنند. این خواهانه هایی ممکن است این خواهانه هایی باشند که بتوانند این خواهانه را در پیش از آغاز جنگ ایجاد کنند. این خواهانه هایی ممکن است این خواهانه هایی باشند که بتوانند این خواهانه را در پیش از آغاز جنگ ایجاد کنند.

پا سده داریم که در این میان مکالمه های اخراجیان ترکیبیزیر و با پیوستگی کرد.
چیزی که نتوانیم در فرضیه های مجهود کو را داشتیم با این رابطه عالی همانند

ناتخان با روش سنتی میلچه و قرمه ای خوشمزه بگیرید و مخصوصاً در زمستان و فصل سرد مفید است.

مشترى سابق الارث بغير رغبة يحتمل آئية التزكى المترافق فيها مدلوك حامض
فدرالحقوق في حق قيم عرضها واربعين جنية فتح حساب على مذكرة

شایع الالقاء میگذرد و اینقدر رضی عن العقد شرکت از پیش نمایند که اگر خطا نمایند
خطای آنها را بازگیرند و خود را در حضور هم معرفی نمایند.

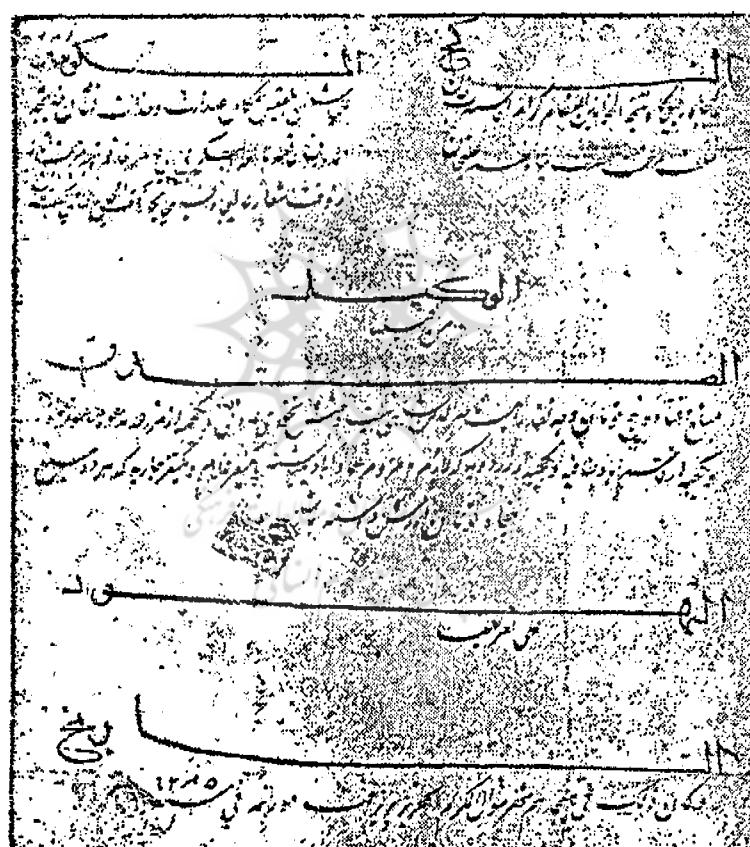
رسانی کردند و از آنها بسیاری مبتلا شدند و میتوانند این را در میان افراد خود مخفی نگیرند.

عقد مباركة صحيفة شرعية دائمة واقع شد بطريق شرع نبوى فيما ين :

المنكوبة

عليا شان بلقين مكان صدارت
و خدارت نشان خديجة الدوران
عاقلة بالفهالكس بي بي فاطمه
خانم ابته مرحمت آثار ریوفت
شعار عاليجاه رفيع جايگاه
كهف الحاج حاجي نجف خان

عاليجاه رفيع جايگاه نتيجة
الخوانين النظام كرام آقا
سهراب خان خلف مرحمت
و مفترض پناه نقد عليخان



وباز ، در آثار پیغمبر دزدان ، من عقدنامه‌ای چاپ کردام که مورخ ۱۲۸۵ هـ (۱۸۶۸ م.) یعنی هفت سال پس از واقعه بوشهر است ، ومهر این عقدنامه اینست : الصداق ، مبلغ هفتاد و پنج تومان وجه نقد ریال ناصرالدین شاهی بیست و شش نخودی عددی ، ویک حبه از مزرعه موسومه به عمام آباد طافیه ، ویک حبه از زردویه – که لازم و ملزم عماد آباد میباشد – ویک نفر غلامویک نفر جاریه که هردو مبلغ پنجاه تومان ارزش داشته باشد . (۱) واين دختر ، نه دختر پادشاه بود ونه خواهر حاکم . بلکه یکی از دختران عادی قریب‌ای بوده است در سیر جان کرمان به اسم «زید آباد» بیین کار به کجا رسیده که دختر ک زید آبادی هم کنیزک ۵ تومانی جهیزیه می‌خواهد .

در تاریخ ایران ، یا اروپا یا آمریکا ، سعی شده است که مسأله لغو بردگی و کساد بازار «سوداگران آبنوس» (۲) را به یک اعلامیه یا تصمیم آدمی منسوب کنند ، اما اگر از من می‌شوند : هیچ کدام . بنظر من ، تنها این اکتشاف نفت و نیروی بخار بود که آدمی را از قید بردگی نجات داد ، و این شعله سوزان نفت بود که چرخها را به حرکت آورد و جانشین بازوی پرانرژی و قوی و عضلات پیچیده سیاهانی شد که در جنگل‌های افریقا قادر بودند شیر و بیرون را با آن خنث کنند

- ۱ - پیغمبر دزدان ، چاپ ششم ، ص ۲۱۵ . ۲ - فروشنده‌گان برگان سیاه پوست افریقائی را در اروپا و امریکا ، «سوداگران آبنوس» لقب داده‌اند .

پژوهشگاه علوم رئیسیات فنی پرتال جامعه‌شناسی

مؤسس و مدیر : حبیب یغمائی

قالم مقام مدیر : پرو. یز. یغمائی

سردبیر : بانو دکتر نصرت تهری به کار

دفتر : تهران - خیابان خانقاہ - شماره ۱۵ - تلفون ۳۰۵۳۴۴

اشترال سالیانه : ایران صد ، خارجه صد و پنجاه ، تک شماره ده تومان .

حساب جاری شماره ۱۲۵۷ بانک ملی ایران ، شعبه خیابان ظهیرالاسلام

چاپ محمد علی فردین